



م. اسحاق نگارگر

۲۰۱۶/۰۳/۱

یک سو اسراف و نو به دولت رسیدگی سوی دیگر فقر و درماندگی

یکی از متن های بسیار ارزشمند ادبِ دری که من سال هاست که آنرا بار بار خوانده ام و از خواندن آن نه این که احساس دلزدگی نکرده ام بلکه هر بار از آن چیزی تازه نیز آموخته ام؛ متن زیبای سیرالملوک یا سیاست نامه خواجه نظام الملک طوسی وزیر با تدبیر ملک شاه سلجوقی است. این بزرگمرد را با تدبیر از این جهت می گویم که بیشتر از غالب دولتمردان روزگار ما راز های سیاست ورزی و مردم داری را می دانست و سیاست نامه خویش را به شیوه ای نوشته است که با زیبا ترین الفاظ چگونگی پیشامد با مردم را به خواننده خود یاد میدهد که اگر من قدرت می داشتم (که خوب است ندارم) خواندن این کتاب را برای آنانی که شوق رهبری و حکومت بر مردم دارند حتمی می ساختم.

امروز کشور های در حال رشد که اقتصاد ضعیف دارند و به اصطلاح معروف هشتِ شان گروته شان است و اکثریت مردم تا بدانجا گرفتار فقر و فاقه هستند که به مشکل دستِ شان تا دهانِ شان می رسد و از بیست تا سی در صد مردم عملاً بیکار هستند. خانه های نسبتاً صحتی و قابل بود و باش وجود ندارد، آب آشامیدنی پاک یافته نمی شود. مکاتب برای بسیاری از اطفال وجود ندارد و خلاصه از همه چیز هایی که اساس یک زندگانی مدنی را تشکیل میدهد محروم هستند.

وضع اقتصادی و اجتماعی این کشور ها بر دولت ها نهیب میزند که در مصارف اداری و حتی شخصی از حد اعلای صرفه جویی و پس انداز استفاده نمایند و تولید ملی را تا سطح برآورده ساختن نیازمندی های اولیه بالا ببرند. رهبران سیاسی باید در تماس منظم با مردم باشند و خود به عنوان نمونه باید در ساده پوشی، ساده نویسی و ساده زیستی سرمشق دیگران باشند. راز رهبری در همین است که رهروان رهبر را می بینند و به دنبال او به راه می افتند.

چند روز پیش از جناب رئیس جمهور شنیدم که برای برخی از مردم می گفت که "شما از نبود برق شکایت دارید، فردا اگر گندم نباشد چه خواهید کرد؟" می خواستم صمیمانه برای شان دو نکته را خاطر نشان نمایم:

- نخست این که مردم جناب عالی را برای تشخیص درد های خود انتخاب نکرده اند بلکه برای تداوی انتخاب کرده اند که شما جلو همان مشکلات را بگیرید و اگر روزی می رسد که مردم گندم نداشته باشند پیش از دیگران در انبان شما گندم و در خوان تان نان نباید وجود داشته باشد. مردم فقر و بی چیزی را تحمل می کنند ولی بی عدالتی را هرگز تحمل نمی کنند. آنان وقتی بدانند که رهبر شان به حساب تظاهر نه بلکه واقعاً گرسنه است و نان ندارد درد شان تسکین می یابد و می دانند که اگر دست حادثه یک لقمه نان آنان را گرفته است رهبر جامعه نیز رنج گرسنگی را تحمل می کند.
- دوم اینکه وظیفه رهبر همین است که برای مردم کار ایجاد کند، زراعت شان را رونق بدهد و برای متاعی که تولید می کنند بازار پیدا کند. رهبر اگر بکوشد که درد ها را با حرف ها تداوی کند مردم ناگزیر برایش می گویند که:

"دو صد گفته چون نیم کردار نیست"

در آغاز همین نگارش از خواجه نظام الملک طوسی و سیاست نامه اش یاد کردم. او در فصل چهل و نهم همین کتاب زیر عنوان (اندر جواب دادن و گزاردن شغل های متظلمان و انصاف ایشان بدان) می گوید:

"همیشه خلق بسیار از متظلمان (دادخواهان- نگارگر) بر درگاه مقیم باشند و هر چند قصه را جواب می یابند بنمی روند و هر غریبی و یا رسولی که بدین درگاه می رسد و این فریاد و آشوب می بیند، چنان می پندارد که بر این درگاه ظلمی عظیم می رود بر خلق. این در ایشان در باید بست." و در همین فصل زیر حکایتی می گوید:

"گویند یزدجرد شهریار رسول فرستاد به امیرالمومنین عمر (رض) که "امروز در همه عالم درگاهی از درگاه ما انبوه تر نیست و خزینه ای از خزینه ما آبادان تر نیست و لشکری از لشکر ما بیشتر نیست و چندان آلت و عُدّت که ما داریم کس ندارد." جواب داد،

گفت: "بلی درگاه شما انبوه است و لیکن از متظلمان و خزینه شما آبادان است و لیکن از مال حرام و لشکر شما بیشتر است و لیکن نافرمان، و چون دولت بر سر آمد آلت و عُدّت سود ندارد و این همه دلیل است بر بی دولتی شما و بر زوال ملک شما." و هم چنان بود.

و طریقه آن است که خداوند عالم خَلَدَ اللهُ مُلْکَهُ (یعنی پادشاه - نگارگر) اول از تن خود انصاف بدهد، تا همه منصف شوند و طمع از مُحال و نا واجب ببرند." (سیاست نامه ص ۲۴۰)

امروز مشکل عمده کشور های درحال انکشاف این است که خود توانایی برآورده ساختن نیازمندی های خود را ندارند و دست شان به سوی دیگران باز است و آن دیگران نیز که همه عواطف و احساسات شان را تسخیر بازار و تسخیر مشتری زیر گرفته است چنان در هنر فروش متاع های قیمت ولی کم دوام مهارت یافته اند که به اصطلاح سرمه را از چشم می دزدند.

رهبران سیاسی در این کشور ها اگر نمی توانند همانند مهاتما گاندی با یک لنگ گذاره کنند کم از کم ساده زیستی و بی تکلفی ماندیلا را باید داشته باشند و مردم خود را نیز به ساده زیستی عادت بدهند و به طور خاص در کشور های اسلامی که نص صریح قرآن کریم آنان را از اسراف و جلوه های نو به دولت رسیدگی برحذر می دارد کوشش کنند که ثروت جامعه خود را به طور متعادل تقسیم نمایند و مردم را از چنگال فقر و درماندگی نجات بدهند. هنگامی که می بینی فقیر در دسترخوان خود نان خشک به مشکل می گذارد ولی ثروتمند صرف

به خاطر عَرَضِ نو به دولت رسیدگی هفت، هشت نوع غذا را باهم قطار می کند که در وقت دسترخوان برداری حتی یک چهارم غذایی را که تهیه نموده نخورده اند و آن را که سخت مورد نیاز دیگران است دور می ریزند دود از نهادت برمی جَهَد که این بی عدالتی است و ناگزیر مایه رنجش خاطر می شود.

در روایات اسلامی آمده است که حضرت عمر فاروق (رض) شبها در مدینه و اطراف آن می گشت. شبی که عبدالرحمان بن عوف با او بود هر دو از کنار خیمه زنی بادیه نشین رد می شدند که عمر (رض) شنید که زن می گوید: "خدایا! داد مرا از عمر بستان!" عمر که دلش از التجای آن زن به خدا(ج) لرزیده بود وارد خیمه شد و دید که فرزندان زن در خواب رفته اند و دیگی بر دیگدان می جوشد سر دیگ را برداشت و دید که جُز سنگریزه ها چیزی دیگر در دیگ وجود ندارد.

زن گفت: "سه روز است که ما گرسنه ایم و من این دیگ را می جوشانم و هنگامی که یتیم های من از خواب بر می خیزند و نان می خواهند من آنان را تسلی می دهم که به زودی غذا پخته می شود اما در این دیگ غذایی وجود ندارد که پخته شود."

عمر (رض) خود می رود و از بیت المال مسلمانان آرد، روغن و شکر می آرد و برای زن و فرزندان غذا می پزد. از این رویداد دو نتیجه اساسی می توان گرفت:

○ نخست این که دولت برای بهتر شدن کار زراعت ناگزیر است وسایل کشت و کار را بهبودی ببخشد، کانال ها جوی ها و کاریز ها بکند تا مردم بتوانند تولیدات زراعتی را بیشتر و بهتر بسازد.

○ دوم، اگر کسانی مسکین استند (یعنی بر زمین سکنی گزیده - نگارگر) و به دلیل بیماری، پیری، کودکی توانایی کار را ندارند دولت مکلف است که برای آنان غذا تهیه نماید. که اگر چنین نبود عمر (رض) نیز مانند رهبران امروز به مردم می گفت: "به من چه که گرسنه استید مگر من مکلفم که برای تان غذا تهیه کنم؟" آری عمر (رض) از کلام خدا دریافته بود که اگر کسی در راه طعام دادن مسکینان تلاش نکند در واقع دین خود را عملاً تکذیب کرده است (آریت اللذی یکذب بالذین)

وقتی جناب رئیس جمهور ساده لوحانه به مردم می گوید که "شما غم برق را دارید اگر فردا گندم نباشد چه می کنید؟" او فکر نمی کند که مردم او و رئیس اجرائیه اش را برگزیده اند تا چاره همین کار ها را بکنند. اینان برای بهتر ساختن زراعت و تولید بیشتر گندم باید شرکت های تعاونی زراعتی با سرمایه گذاری دولت و دهقانان به وجود می آورند که دهقانان از طریق فروش گندم برای دولت و قطعات اردو و پولیس سهم خود را در این شرکت ها بیشتر و از دولت را کمتر می ساختند تا بدین ترتیب شرکت های تعاونی مال دهقانان می شد و دولت و مردم هر دو از گندم وارداتی بی نیاز می شدند.

شما که زراعت مملکت را در گرداب تولید مواد مخدر غرق کرده اید باید پاسخ بدهید که مردم در این مورد چه کار می توانستند بکنند که نکرده اند.

اگر شماها ادعای رهبری دارید باید راه درست انجام دادن کارها را به مردم نشان بدهید و ابتکار مردم را برانگیزید. شما که بدبختانه ظلم گشته تیوری مارکیت آزاد استید و آنرا همانند پره سیتامول طبیبان دوی هر درد پنداشته اید چرا به مردم نگفتید که مارکیت آزاد تنها برای آنان خوب است که فیصدی بزرگ اقتصادشان فرستادن کالا به بازارهای دیگر است ولی آنان که همه چیز را از دیگران می خرند و در بازارهای خود می آرند چیزی

ندارند که بازار آزاد برای شان کمک کند؟ اینان باید بر اقتصاد خود کنترل داشته باشند و همپای پیشرفت تولید ملی از واردات خود کسر و محصول گمرکی را بر واردات افزایش بدهند.

بدبختانه امروز این ملت در یک دایره معیوبه گیر مانده است. دولت وحدت ملی عملاً کارا نیست و هر مهره را که از شطرنج سیاسی خود بر می دارد ماه ها به کار دارد که به جای آن مهره دیگر بگذارد. در جا های دیگر برای اینکه صلاحیت ها با هم تصادم نکند هر کس برای خود یک فارم توضیح وظایف (جاب دسکرپشن) دارد ولی در میان اینان از فارم توضیح وظایف خبری نیست و بنا بر این بر سر هر مقرری صلاحیت داران نخست باید زور آزمایی کنند تا بازوی یکدیگر را بخوابند و هیچ مقامی وجود ندارد که این شیوه پادشاه – وزیری کودکانه را بهم بزند و برای مقابله با مشکلات روز افزون کشور طرح یک دولت کارا و مبتکر را بریزد.

این نو به دولت رسیده های اسراف کننده را بگذار که بزرگ نمایی خود را در فقر و بیچارگی مردم خود ببینند که اینان همان سبکباران ساحل ها هستند. به قول حافظ:

شبی تاریک و بیم موج و گردابی چنین هایل کجا دانند حال ما سبکباران ساحل ها

فاعتبروا یا اولی الابصار

برمنگهم - اول مارچ ۲۰۱۶

نگارگر

